یادداشت

از رکود اقتصادی تا بحران اعتماد

رضا فضلعلی
دکترای علوم سیاسی (مسائل ایران)

در سال‌های میانه قرن بیستم، محدودیت منابع مادی به‌مثابه تنگنای اصلی توسعه در میان اقتصاددانان مطرح بود، اما از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد تمرکز بر نقش محوری تصمیمات راهبردی بیشتر شد؛ به عبارتی ذهن آنان در راستای توسعه در ابتدا دستیابی به حداقلی از پیشرفت در زمینه ارتقای توان تولید ملی و سپس معطوف به عدالت اجتماعی شد. تجربه نشان داده در صورت فقدان یا ناهماهنگی در هرکدام از موارد سیاست‌گذاری، نتیجه چیزی جز نابسامانی و عدم توسعه پایدار نخواهد بود. بنابراین تحقق عدالت اجتماعی که در پی آن بدون تردید وفاق و همبستگی اجتماعی نیز به دنبال خواهد آمد، اهمیت فراوانی دارد. اما چگونگی پرداختن به آن از اصل باور به ضرورت آن نیز مهم‌تر است. آری، توجه به نیازهای جامعه، هم‌زمان با وجود انتخاب‌های آزاد همراه با اراده و اختیار انسان در چارچوب قانون ضرورت دارد. اغلب بحران‌ها و فاصله دولت‌ها با مردم و بی‌انگیزشی آنان در امور سرزمینی، ناشی از عدم عقلانیت و شناخت هویتی با منشأ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که هرکدام به‌تنهایی یا ترکیبی می‌توانند ساختارها را در معرض آسیب قرار دهند و در عین حال عکس آن نیز صادق است.

در یک حکمرانی مطلوب که هدفش ایجاد ریشه‌های توسعه‌یافتگی پایدار و عدالت اجتماعی است، شرایط مقدماتی فراوانی لازم است که بدون تردید رشد اقتصادی از اولین اولویت‌هاست. شرایطی همچون ایجاد زیرساخت‌ها، ثبات و نظم اقتصادی، اجرای قوانین بدون توجیهات احتمالی و روابط عقلانی فراسرزمینی از لوازم اصلی رشد است اما کافی نیست. در چنین نظامی، وجود زیرساخت‌ها به روابط فراملی وابسته است؛ زیرا با وجود وابستگی‌های متقابل در عصر حاضر، هیچ کشوری نمی‌تواند به‌تنهایی کارآمد باشد. بنابراین ارتباط با نظام جهانی، منابع علمی و مالی بین‌المللی، زمانی کارایی خواهد داشت که تعامل با دیگر کشورها براساس منطق و عقلانیت باشد؛ این امر با وجود ثبات در سیاست و اقتصاد و نبود بحران در داخل میسر خواهد شد.

بحران زمانی آشکار می‌شود که دولت‌ها نتوانند تعادل را در امور و نیازهای روزمره مردم ایجاد کنند. بر این اساس، وجود تعادل و رفع نیازهای عمومی جامعه استوار بر حمایت‌های عادلانه دولت از لایه‌های درون جامعه است؛ حمایت از سرمایه، بهداشت، زیست محیط، تأمین اجتماعی، جنسیت، قومیت، نژاد، فرهنگ، هویت و بازار کار (البته نه‌فقط کاری که صرفا محدود به تعیین دستمزد کارگران باشد) و حتی تأمین انرژی از نمونه‌های بارز حمایت هستند. معتقدم آنچه اهمیت بیشتری در حال حاضر به‌ویژه در ایران دارد، حمایت و حکمرانی براساس عقلانیت، علم و آگاهی از گذشته در اقتصاد است. بنا بر شواهد، برخلاف اظهارات اغلب تصمیم‌گیرندگان که مدام رفع چالش‌های اقتصادی را وعده می‌دهند، بیشتر همت آنان در تشکیل نهادهای فرهنگی و اجتماعی، با در اختیار قراردادن بودجه و یارانه بوده و هست که شوربختانه عملکرد ضعیفی نیز داشته‌اند. اگر توسعه پایدار در صنعت (نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد و...)، تجارت بین‌الملل، گردشگری و محیط زیست وجود داشته باشد، شاید پرداخت یارانه در شکل‌های مختلف کمترین تأثیر حمایتی را در جامعه داشته باشد. در حال حاضر هنگامی که حمایت از مصرف‌کننده عنوان می‌شود، صرفا بحث قیمت‌گذاری دستوری، احتکار و گران‌فروشی مطرح است؛ آیا حمایت یعنی سیاست‌گذاری دستوری به صورت محدود و اورژانسی بدون اثرگذاری طولانی‌مدت که احتمالا در بسیاری از مواقع نیز فقط شامل گروهی خاص در داخل و مواردی همچون سوخت که به نفع کشورهای همسایه است، می‌شود. بنابراین اگر به‌جای سیاست‌های محدودکننده، به نام حمایت از این یا آن، که اغلب در ذات خود موجب تورم، کسری بودجه، کاهش ارزش پول ملی و در طولانی‌مدت فقیرترشدن دولت-ملت و افزایش فاصله طبقاتی می‌شود و دستاوردی به‌جز کاهش رشد و تخریب منابع (از لحاظ کمی و کیفی) به‌ویژه در اقتصاد را به همراه نمی‌آورد، فقیر فقیرتر می‌شود و رانت و فساد با نفوذ در بدنه سیستم قوی‌تر می‌شود. از این رو دولت و مردم عادی و همچنین سرمایه‌گذار غیردولتی، بازندگان این شکل از حمایت‌ها هستند.

به دلیل بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها، بنگاه‌های صنعتی قدرت پیش‌بینی بازار آینده را ندارند. در عین حال با عدم حمایت از صنایع کوچک و بزرگ به صورت عملی و نه در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها در داخل کشور، اجناس نامرغوب دیگر کشورها مانند چین را در شهر فراوان مشاهده می‌کنیم که هیچ ربطی به تحریم‌ها نیز ندارند. چند روز پیش آماری را در فضای مجازی (به نقل از رسانه ملی) مشاهده کردم که ۵۶ درصد از مردم اولویت‌شان مذاکره با آمریکا برای رفع تحریم‌هاست و فقط اولویت پنج درصد انرژی هسته‌ای عنوان شده بود که مسلما این نظرخواهی قبل از جنگ به‌گونه‌ای دیگر بوده است. براساس این پرسش از مردم، اولویت رفع چالش‌های اقتصادی است.

آری، مدیران نباید مانند ماشین‌های آتش‌نشانی باشند و فقط در زمان بروز بحران وارد عمل شوند. هنگامی که کارشناسان بحران آب را پیش‌بینی می‌کردند، برخی صادرات سیب‌زمینی و هندوانه را برای خود دستاوردی بزرگ اعلام کردند؛ آن زمانی که گروهی کمبود برق و گاز و فراورده‌های نفتی در آینده را در کشوری که یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های آن انرژی است، فریاد می‌زدند، متهم به ناامیدکردن مردم شدند. بدون تردید عدم توجه به نقاط قوت و ضعف و محدودیت منابع در گذشته، باعث شد سرعت روندهای اقتصادی و اجتماعی کاهش یابد؛ به‌گونه‌ای که در مواردی عقب‌گرد نیز وجود دارد. با این شیوه، کشور به تدریج با تخریب، فرسایش منابع، فرار سرمایه‌ها و فرار مغزها و بحران‌های ملی و فراملی مواجه شد. بنابراین با توجه به موقعیت جغرافیایی، جمعیتی و دسترسی به منابع مورد نیاز در سایه تعامل در روابط بین‌الملل و اراده‌ای در راستای سیاست‌های تقویت‌کننده رشد و توسعه، چالش‌ها در داخل و محیط فراسرزمینی کاهش خواهند یافت.

فراموش نکنیم در داستان تمامی جنگ‌ها ابتدا بهترین وجوه انسان‌ها یعنی وفاداری، رفاقت و همبستگی آشکار می‌شود، ولی کاهی نیز در درازمدت وفاق تبدیل وضعیت می‌یابد. آری، هیچ چیز از مردمی که به خواست خود کاری را انجام می‌دهند قوی‌تر نیست. باید جامعه‌ای را بسازیم که در آن مردم خودشان، خود را برانگیزانند، نه دیگران باعث انگیزش آنان شوند. به قول برنارد شاو: «اگر می‌خواهی کسی را قصاص کنی، باید به او صدمه بزنی، اما اگر می‌خواهی اصلاحش کنی، بایستی زمینه پیشرفت او را فراهم کنی». بنابراین مهم‌تر از شکست یا پیروزی در جنگ‌ها، مسئله تلاش برای تبدیل‌کردن جنگ به فرصتی برای ساختن و آبادانی جامعه و رفع‌کردن کجی‌ها، کاستی‌ها و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در زمان مناسب است. این همان چیزی است که اهمیت نقش مردم و عاملیت تک‌تک شهروندان را برای صرف فعل خواستن توسعه‌یافتگی در عمل نشان می‌دهد. به قول سهراب: «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید». دیگر هرگز مثل گذشته نباید به جهان نگاه کنیم. برخی از مسائل، چه باور داشته باشیم یا نه، حقیقت هستند؛ راه چاره فقط در تعامل اجتماعی با حفظ کرامت انسانی و منافع جمعی و نشان‌دادن امید برای آینده‌ای روشن است.

معاون سازمان منابع طبیعی در گفت‌وگو با «شرق»، درباره خروج درختان شکسته جنگلی توضیح داد

ادامه جدال بر سر درختان هیرکانی

زینب رحیمی: به دنبال مخالفت گروهی از کارشناسان جنگل با برداشت درختان شکسته و افتاده از جنگل‌های شمال ایران، معاون جنگل سازمان منابع طبیعی اعلام کرد: «هنوز عملیات برداشت درختان شکسته و افتاده جنگل اجرا نشده است و سازمان منابع طبیعی به دنبال بازکردن پای بهره‌برداران چوب به جنگل نیست». روزنامه شرق در روزهای گذشته در دو گزارش با تیترهای «زخم تازه بر تن هیرکانی» و «یک هیچ به نفع قاچاقچیان چوب» به تبصره‌های ماده ۳۶ قانون برنامه هفتم توسعه پرداخت. در این گزارش‌ها، کارشناسان جنگل، ضمن مخالفت صریح با برداشت و خروج درختان شکسته و افتاده از جنگل و زراعت چوب در عرصه‌های جنگلی، نسبت به خطر ورود قاچاقچیان چوب به جنگل‌های شمال ایران هشدار دادند. به دنبال انتشار این گزارش‌های انتقادی، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری خواستار فرصتی برای بیان توضیحات خود درباره نحوه اجرای این ماده قانونی شد.

●●●

جنگل‌داری نوین؛ هدف سازمان منابع طبیعی

کامران پورمقدم، معاون امور جنگل‌های سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، در گفت‌وگوی تفصیلی با «شرق» به توضیح جزئیات عملیات برداشت و خروج درختان شکسته و افتاده از جنگل‌های شمال ایران پرداخت و به برخی انتقادهای طرح‌شده کارشناسان جنگل در این زمینه پاسخ داد. او درباره اینکه کارشناسان و کنشگران محیط زیست نسبت به وضعیت جنگل‌ها حساسیت دارند، گفت ماده ۳۶ قانون هفتم توسعه کشور، به‌صراحت سازمان منابع طبیعی را مکلف کرده به حفظ، احیا و توسعه جنگل در قالب طرح‌های مدیریت پایدار جنگل و جنگل‌داری نوین بپردازد. او ادامه داد: «طبق ماده ۳۶ قانون هفتم توسعه، هرگونه بهره‌برداری چوبی از درختان جنگلی ممنوع است؛ اما در تبصره یک همین ماده، قانون‌گذار استثنائی قائل شده و بر این اساس درختان ریشه‌کن، شکسته و افتاده تجمعی ناشی از بلایای طبیعی، درختان آفت‌زده و خشک‌شده و غیرقابل احیا و همچنین درختان خطرساز حاشیه جاده‌های جنگلی صرفا توسط سازمان منابع طبیعی و با تأیید ریاست این سازمان قابل برداشت هستند. در تبصره دوم هم موضوع زراعت چوب و جنگل‌های دست‌کاشت مطرح شده است». پورمقدم با اشاره به تاریخچه توقف اجرای طرح‌های بهره‌برداری جنگل از سال ۱۳۹۵، بر این موضوع تأکید کرد که در طرح‌های جنگل‌داری سنتی و کلاسیک، هدف اصلی، بهره‌برداری چوب و برداشت هرچه بیشتر از درختان جنگلی بود: «جنگل‌ها دیگر به‌هیچ‌وجه ظرفیت تولید و برداشت چوب را ندارند و امکان بهره‌برداری چوب از جنگل وجود ندارد. در حال حاضر هم سیاست سازمان منابع طبیعی این نیست که بهره‌برداری چوبی از درختان جنگلی صورت بگیرد. در ماده ۳۶ برنامه هفتم توسعه، با رویکردی متفاوت، بر اجرای طرح جنگل‌داری نوین تأکید شده است؛ طرحی که قرار است در قالب طرح مدیریت پایدار جنگل اجرا شود».

پول نیست، طرح تکمیل نشد

یکی از انتقادهای جدی به سازمان منابع طبیعی، آن است که این سازمان قصد دارد پیش از تکمیل طرح جامع مدیریت پایدار که در ماده ۳۶ قانون هفتم توسعه هم به ضرورت تهیه آن اشاره شده است، وارد فاز اجرائی شده و عملیات برداشت درختان شکسته و افتاده را در محدوده‌های جنگلی کلید بزند. این موضوع شبهه آن را ایجاد کرده که گویی سازمان منابع طبیعی، امور حفاظتی جنگل را رها کرده است و صرفا قصد دارد با خروج درختان شکسته و افتاده، به درآمدزایی برسد. در پاسخ به این انتقاد، معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی، کمبود پول و منابع مالی را دلیل تأخیر در تکمیل طرح مدیریت پایدار جنگل‌های ایران دانست و توضیح داد: «مطالعات طرح مدیریت پایدار جنگل از سال ۱۴۰۰ شروع شده، اما به دلیل گستردگی این برنامه و وسعت عرصه‌های جنگلی و همچنین کمبود اعتبارات هنوز تکمیل نشده است؛ هرچند این مطالعه در برخی حوزه‌ها در آستانه پایان است و شاید تا آخر شهریور امسال برنامه مدیریت پایدار برخی حوزه‌های جنگلی را آماده بکنیم». او با تأکید بر اینکه طرح مدیریت پایدار جنگل‌های ایران هنوز تکمیل و آماده نشده است، ادامه داد: «۱۰۴ حوزه جنگلی در بیش از دو میلیون هکتار فاقد طرح اجرائی است. این عرصه‌ها با اینکه تحت حفاظت شرکت‌های حفاظتی و نیروهای یگان حفاظت قرار دارند، اما بسیاری از امور فنی و اجرائی که باید در جنگل هیرکانی انجام شود، به دلیل از بین رفتن سازوکار طرح جنگل‌داری قبلی و نبود قالب اجرائی جدید، با مشکلات بسیار مواجه شده است. متأسفانه بخش عمده طرح‌های قبلی غیرقابل اجرا شده است؛ به همین دلیل جمع‌بندی سازمان منابع طبیعی بر آن شد که تا قبل از آماده‌شدن طرح جامع مدیریت پایدار، فاز اول جنگل‌داری نوین را اجرا کنیم. این فاز نسخه عملیاتی است که در قالب برنامه‌های مدیریت پایدار اجرا می‌شود».

وقتی جنگل باید خرج خودش را درآورد

معاون سازمان منابع طبیعی با اشاره به محدودیت‌های مالی و موانع پیش‌رو برای تأمین اعتبارات حفاظت از جنگل گفت: «هرساله دولت در قالب موافقت‌نامه‌هایی تحت عنوان عملیات جنگل‌داری، تولید نهال و... اعتباراتی را در اختیار سازمان منابع طبیعی قرار می‌دهد که در صورت نداشتن طرح اجرائی، امکان دریافت این اعتبارات وجود ندارد. از سوی دیگر، تعدادی نیروهای شرکتی داریم که قبلا در طرح‌های جنگل‌داری تحت عنوان نیروهای حفاظت و قرق‌بان فعالیت داشتند و بعد از تعطیل‌شدن طرح‌های بهره‌برداری از جنگل، این نیروها در قالب شرکت‌های حفاظتی، امور حفاظت از جنگل را بر عهده گرفتند. همه هزینه‌های پرداختی ازجمله حقوق و دستمزد این نیروها از محل یک موافقت‌نامه اعتباری تأمین می‌شود که اگر تخصیص اعتبارات را به میزان کافی نداشته باشیم، ناچاریم بخش عمده اعتباراتی را که از طریق موافقت‌نامه‌ها جذب شده، برای حق‌الزحمه نیروهای شرکتی و جنگل‌بانان هزینه کنیم و در این صورت بخش عمده‌ای از عملیات پیش‌بینی‌شده در موافقت‌نامه‌های ما بدون اقدام می‌ماند و از بخشی از امور فنی عقب می‌افتیم. شاید به بخشی از عملیات حفاظت رسیدگی می‌شد ولی بخش دیگر روی زمین می‌ماند، به همین دلیل نمی‌توانستیم اعتبارات مورد نیاز برای همه عملیات پیش‌بینی‌شده را از طریق این موافقت‌نامه‌ها دریافت کنیم. در نتیجه از تبصره‌های یک و دو ماده ۳۶ قانون هفتم توسعه استفاده کردیم تا بتوانیم بخش عمده‌ای از هزینه‌های اجرائی را به منظور حفاظت از جنگل از آن محل تأمین کنیم».

فاز اول جنگل‌داری نوین کلید خورده

پورمقدم، معاون سازمان منابع طبیعی، در این مصاحبه از شروع اجرای فاز اول جنگل‌داری نوین به مدت سه سال خبر داد و گفت: «برای اینکه بتوانیم جنگل را مدیریت و حفاظت کنیم، تصمیم گرفتیم فاز اول جنگل‌داری نوین را با استفاده از ظرفیت‌های قانونی ماده ۳۶ برنامه هفتم توسعه اجرائی کنیم. در فاز اول، مطالعه نیمه‌تفصیلی و ظرفیت‌سنجی و پتانسیل‌یابی انجام شده است. طرح مدنظر طرحی برای مدیریت پایدار جنگل است و تمام ابعاد مدیریت جنگل ازجمله آبخیزداری، حفاظت و امور ترویج و توسعه در نظر گرفته شده است. بنابراین قرار نیست صرفا به سراغ درختان شکسته و افتاده برویم و آنها را از جنگل خارج کنیم، بلکه این برنامه جامع ابعاد مختلفی دارد».

او ادامه داد: «یک مجموعه عملیات ضروری برای انجام تکلیف قانونی خود در قالب فاز اول جنگل‌داری نوین تهیه کرده‌ایم؛ ازجمله عملیات نهال‌کاری، بذرکاری و احیای جنگل و توسعه درختان در عرصه‌هایی که جنگل عقب‌نشینی کرده و همچنین اموری مثل کنترل و پیشگیری از آفات و امراض جنگل‌های هیرکانی، پیشگیری از اطفای حریق و تأمین تجهیزات مورد نیاز برای یگان حفاظت ازجمله دمنده‌ها و آتش‌کوب‌ها، وسایل موتوری و ترمیم حصارها و کمربندهای حفاظتی از بین رفته و بنچ‌مارک‌هایی که باید به عنوان نشانگر مرز اراضی مستثنیات و اراضی ملی کاشته شود. اینها بخش‌هایی از فاز اول جنگل‌داری نوین است و تعداد درخور توجهی از عملیات در آن دیده شده است».

معاون امور جنگل گفت قصد دارند بخشی از هزینه جنگل‌داری نوین را از طریق موافقت‌نامه‌های موجود و بخشی را هم از طریق تبصره‌های یک و دو ماده ۳۶ قانون برنامه هفتم توسعه تأمین کنند: «قرار است سازمان منابع طبیعی فاز اول جنگل‌داری نوین را در ۲۸ حوضه آبخیز، در مساحت حدود ۷۲۰ هزار هکتار اجرا کند. از این ۲۸ حوضه، هشت حوضه آبخیز به مساحت ۱۷۳ هزار هکتار در گیلان واقع است، پنج حوضه آبخیز در غرب مازندران در نوشهر با مساحت ۱۵۳ هزار هکتار و در ساری ۱۰ حوضه آبخیز با مساحت ۲۱۷ هزار هکتار و پنج حوضه آبخیز نیز به مساحت ۱۷۷ هزار هکتار در گلستان واقع است».

درختان غیرجنگلی به مزایده گذاشته شد

پورمقدم تأکید کرد از مجموع این ۲۸ حوضه، در ۱۰ حوضه هیچ برداشتی از درختان شکسته و افتاده نخواهند داشت، اما این را هم گفت: «براساس تبصره دوم ماده ۳۶ قانون هفتم توسعه، فقط از درختانی مثل صنوبر که تحت عنوان زراعت چوب کاشته شده، می‌توان بهره‌برداری کرد. علاوه بر این در بخشی از این حوضه‌ها عملیاتی به‌منظور برداشت سوزنی‌برگ‌هایی که در سنوات گذشته در محدوده‌های جنگل هیرکانی کاشته شده، اجرا خواهد شد. این عملیات به‌منظور ایجاد فرصت رشد برای گونه‌های بومی است، از آنجایی که در بین درختان سوزنی‌برگ درختان بومی زاده شده‌اند، این سوزنی‌برگ‌ها باید حذف شوند تا درختان بومی مثل افرا و بلوط‌هایی که در لابه‌لای سوزنی‌برگ‌ها هستند، فرصت رشد پیدا کنند. تاکنون این دو بخش به مزایده گذاشته شده و در آستانه انتخاب مجری است».

با توجه به نگرانی شدید کارشناسان جنگل و فعالان محیط زیست از برداشت درختان شکسته و افتاده جنگلی، کامران پورمقدم، معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، در ادامه گفت‌وگو با «شرق»، به این موضوع اشاره کرد که هنوز عملیات برداشت درختان شکسته و افتاده جنگل اجرا نشده است: «سازمان منابع طبیعی حفظ چرخه اکوسیستم جنگل‌ها را ضروری می‌داند و اطمینان داشته باشید سازمان به دنبال آزادکردن بهره‌برداری از جنگل نیست و خود من هم مخالف این موضوع هستم؛ یعنی هرکسی هم موافق بهره‌برداری باشد، من مخالفم و به‌هیچ‌عنوان اجازه نمی‌دهم طرح‌های مدیریت جنگل به روزگاری برگردد که هدف از جنگل‌داری برداشت هرچه بیشتر درختان بود. سازمان منابع طبیعی به دنبال این نیست که پای بهره‌برداران چوب را به جنگل باز کند. همه تلاشمان این است که از زراعت چوب و سوزنی‌برگ‌ها بیشتر بهره ببریم و کمتر به سراغ برداشت گونه‌های درختی برویم».

۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار مترمکعب درختان شکسته

تعدادی از پژوهشگران جنگل و کنشگران محیط زیست بارها مخالفت خود را با خروج درختان شکسته و افتاده جنگل اعلام کرده‌اند و این اقدام را خلاف وظایف سازمان منابع طبیعی می‌دانند. این گروه معتقدند سازمان منابع طبیعی اساسا هیچ مطالعه دقیقی روی موجودی جنگل انجام نداده است و آماری از میزان و درصد درختان شکسته و افتاده در اختیار ندارد. اما پورمقدم اطمینان داد مطالعاتی میدانی توسط کارشناسان این سازمان از وضعیت جنگل صورت گرفته و حتی تعداد درختان شکسته و افتاده برآورد شده است: «پارسل‌هایی که کانون درختان شکسته و افتاده و درختان خطرساز حاشیه راه‌هاست، حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار مترمکعب است که قرار نیست همه آن از جنگل خارج شود. این برآوردی است که از طریق تشریح پارسل و در قالب بازدیدهای میدانی، کارشناسان سازمان منابع طبیعی بدان رسیده‌اند. این غیر از درختان شکسته‌ای است که کیفیت خود را از دست داده و ارزش اقتصادی برای برداشت و خروج از عرصه جنگلی ندارند. آنچه قابلیت استفاده و برداشت دارد حدودا ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار مترمکعب است که بخشی از آن طبق دستورالعمل مصوب شورای عالی جنگل برداشت خواهد شد». بنا به گفته پورمقدم، بررسی سازمان منابع طبیعی بیانگر این است که موجودی درختان شکسته و افتاده بیش از نیاز اکوسیستم است و برداشت ۱۰ درصد آن اختلالی در حیات جنگل ایجاد نمی‌کند.

او بر این نظر است که درختان شکسته و افتاده باید در جنگل باقی بماند، اما برداشت مازاد آن بلامانع است: «کارشناسان دفتر جنگل‌داری و کارشناسان ادارات کل چهار منطقه شمال ایران، بر مبنای جنگل‌گردی و تشریح پارسل، میزان درختان شکسته و افتاده در هر محدوده جنگلی را برآورده کرده‌اند. براساس بازدیدهای میدانی و برآوردهای میدانی کارشناسان، درختان شکسته و افتاده بیش از درصد و مقداری است که اکوسیستم جنگل بدان نیاز دارد. یعنی تعداد درختان شکسته و افتاده مازاد بر مقدار مورد نیاز اکوسیستم جنگل است، برای همین برنامه‌ریزی شده درختان ریشه‌کن تجمعی خارج شوند».

موضوع پرمناقشه دیگر، چرایی برداشت درختان شکسته و افتاده است. تاکنون بارها سازمان منابع طبیعی آفت و آتش‌سوزی را به عنوان دلیل برداشت و خروج درختان شکسته و افتاده جنگلی مطرح کرده است اما این بار معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی نظر دیگری دارد: «من اعتقاد ندارم که درختان شکسته و افتاده موجب آتش‌سوزی و آفت می‌شود. این نظر کارشناسی خودم است که اینها از منظر آفات و امراض اتفاقا در خیلی جاها می‌توانند جذب‌کننده حشرات و آفات باشند و حتی مانع ابتلای درختان سرپا و سالم به آفت شوند. علاوه بر این، درختان شکسته باعث آتش‌سوزی نمی‌شوند اما اگر حریقی در جنگل صورت بگیرد، ممکن است اطفای حریق را با مشکل مواجه کنند، زیرا حریق در جنگل‌های شمال سطحی و در میان لاش‌برگ‌ها رخ می‌دهد و گسترش می‌یابد و اگر تعداد درختان شکسته و افتاده درون جنگل زیاد باشد، ممکن است اینها هم دچار حریق شده و خاموش‌کردنشان مشکل شود. همچنین امکان دارد عملیات اطفای حریق را با دشواری مواجه کنند».

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

عکس: مهدی محبی‌پورابرنا

برگ سبز پراید TL۱۳۱ سفید مدل ۱۳۹۲
به شماره پلاک ۱۳۱ایران ۶۷۳د۱۴
شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰D۱۲۹۶۴۵۷
و شماره موتور ۴۹۶۸۳۰۰ به نام **عباس تیموری**
با کد ملی ۴۰۷۱۴۹۷۹۳۹ در ۱۴۰۴/۱۱/۳۰
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

اصل سند خودروی سواری تویوتا کرولا مدل ۲۰۰۵
به رنگ نقره ای به شماره انتظامی ۱۸۱۸۴چابهار
به شماره شاسی ۵۵۰۲۰۲۵۲۱ به شماره موتور ۲۲۵۰۱۰۳
به نام **محمد نبی میرزایی** مفقود شده
و از درجه اعتبار ساقط است.

شرکت **توربو توان قشم** (سهامی خاص)، مستندا
به بند ۲ ذیل ماده ۱۰ اساسنامه، سهامداران محترم را
به شرکت در مجمع عمومی عادی سالیانه
که در ساعت ۹ صبح تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۹ در محل دفتر
هماهنگی شرکت توربوتوان قشم واقع در تهران
خیابان شیراز جنوبی خیابان آقا علیخانی پلاک ۶۰ واحد ۷
برگزار می‌شود، دعوت می‌نماید.
دستور جلسه: بررسی و تصویب صورت‌های مالی سال مالی
۱۴۰۴، انتخاب بازرس اصلی و علی البدل، انتخاب حسابرس
و سایر موارد مرتبط.
هیات مدیره
شرکت توربوتوان قشم (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول)

شهرداری رباط کریم در نظر دارد به استناد مجوز شماره۰۴/۲۵۳۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۶ شورای محترم اسلامی شهر اجرای پروژه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به شرح و شرایط زیر به پیمانکاران واجد شرایط و دارای گواهینامه صلاحیت و رتبه بندی از سازمان برنامه و بودجه واگذار نماید.
شرایط:
۱- هزینه درج دو نوبت آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.
۲- به پیشنهادات مشروط ، مخدوش و فاقد سپرده لازم جهت شرکت در مناقصه ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۳- سپرده شرکت در مناقصه میبایست بصورت ضمانت نامه بانکی به نفع شهرداری رباط کریم و یا واریز نقدی به شماره حساب ۰۱۰۶۶۲۵۲۰۶۰۰۸ نزد بانک ملی ایران شعبه مرکزی رباط کریم کد ۲۳۵۴ (شماره حساب شبا۲۸۰۱۷۰۰۰۰۰۰۱۰۶۶۲۵۲۰۶۰۰۸ .IR) تهیه و برابر دستور العمل مندرج در کاربرگ مناقصه به همراه پیشنهاد قیمت ارائه گردد. لازم به ذکر است سپرده نفرات اول، دوم و سوم مناقصه تا انعقاد پیمان نزد شهرداری نگهداری و هرگاه حاضر به عقد قرارداد نگردند سپرده آنان به ترتیب به نفع کارفرما ضبط خواهد شد.
۴- مهلت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ انتشار این آگهی (از پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ به مدت ۱۰ روز) محل دریافت آن صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت WWW.SETADIRAN.IR می باشد.
۵- متقاضیان میبایست پاکتهای پیشنهاد قیمت خود را که برابر شرایط مندرج در کاربرگ مناقصه تنظیم شده است را حداکثر تا ساعت ۱۳ روز سه شنبه مورخ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت WWW.SETADIRAN.IR تسلیم نمایند.
۶- متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه می بایست فیش واریزی به حساب جاری به شماره ۰۱۰۶۶۲۴۸۱۹۰۰۴ نزد بانک ملی ایران شعبه مرکزی رباط کریم کد ۲۳۵۴ به مبلغ ۱۲.۰۰۰.۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) بابت خرید اسناد مناقصه به شهرداری رباط کریم تسلیم نماید.
۷- زمان بازگشایی پاکتهای مناقصه در ساعت۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ می باشد.
۸- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است .
۹- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج می باشد.
حمیدرضا اله یاری، شهردار رباط کریم

آگهی فقدان سند مالکیت
خانم فهیمه کردبچه نصیری اصالتا با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی که گواهی امضای شهود آن طی شماره ۵۶۷ مورخ ۱۴۰۵،۲،۷ بشماره شناسه ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۳۸۰۰۰۰۱۰۳ دفتر اسناد رسمی ۱۷۷۲ تهران و استشهادیه محلی شماره ۱۸۳۸۹ مورخه ۱۴۰۵،۲،۷ بشماره شناسه ۱۴۰۵۰۲۱۵۵۲۱۶۰۰۰۰۲۳ دفترخانه ۱۱۰۹ تهران ثبت گردیده است مدعی است سند مالکیت ۴۲ سهم از ۲۵۲ سهم شش دانگ یک قطعه آپارتمان وضعیت خاص طلق به پلاک ثبتی ۱۳۰۶۴۲ فرعی از ۸۸ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۲۷۱۲ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۱۱ در طبقه ۲ و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک تهرانپارس استان تهران به مساحت ۸۲.۸۷ متر مربع توضیحات ملک برابر بخشنامه شماره ۹۱،۲۳۵۱۱ - ۱۳۹۱،۰۱،۲۹ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و دستورالعمل اجرایی شماره ۱۰۱،۹۱،۲۸۲۵۸-۱۳۹۱،۳،۳ اداره کل ثبت استان تهران پلاک باقیمانده فرعی ۲۷۱۲ از ۸۸ اصلی به پلاک ۱۳۰۶۴۲ فرعی از ۸۸ اصلی تغییر یافت. بنام خانم فهیمه کردبچه نصیری فرزند منصور شماره شناسنامه ۳۳۳۱ تاریخ تولد ۱۳۳۲،۰۶،۰۱ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۴۹۳۵۲۵۱۲ با جز سهم ۴۲ از کل سهم ۲۵۲ بعنوان مالک چهل و دو سهم مشاع از دویست و پنجاه و دو سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۴۰۹۹۷۱۰۲۵۵۰۰۱۰۴ تاریخ ۱۳۹۴،۰۲،۱۱ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۰۶۱۹۲ سری و سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۷۹۰۳۳۷۰۳ ثبت گردیده است. سپس بعلت جابجایی مفقود گردیده است لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضاء مدت مذکور و عدم هر گونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود .
م الف۱۱۰۰۸ اداره ثبت اسناد و املاک تهرانپارس (تهران)